

جستارہائے تصویرے در روان شناسی

تألیف: دکتر محمد رضا جلالی
نیما ورامینی

تصویرگر: سیدہ فہیمہ علوی نسب

www.ketab.ir



فروشگاه مirdashti
MIRDASHTI PUBLICATION

www.ketab.ir

سرشناسه : جلالی، محمدرضا، ۱۳۳۷
 عنوان و نام پدیدآور : جستارهای تصویری در روان‌شناسی
 تألیف محمدرضا جلالی، نیما ورامینی
 تصویرگری فهیمه علوی نسب
 مشخصات نشر: تهران: فرهنگسرای میردشتی، هنر نو ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص.: مصور (رنگی)
 شابک : ۹۶۰-۹۰۰-۶۰۱۶-۶۰۰۶۷۸-۹۷۸-۱۹۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : روان‌شناسی
 شناسه افزوده : ورامینی، نیما، ۱۳۴۴
 شناسه افزوده : علوی نسب، فهیمه، تصویرگر، ۱۳۶۷
 رده بندی کنگره : BF۱۲۸ ۱۳۹۳ ج ۸ ق ۲/
 رده بندی دیویی : ۱۵۰
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۴۸۸۴

جستارهای تصویر در روان شناسی

مؤلف: دکتر محمد رضا جلالی
نیما ورامینی

تصویرگر و طراح جلد: سیده فهیمه علوی نسب

حروفچینی: فاطمه خزایی

صفحه آرا: آتلیه هنر نو

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ ایماژ

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

ناشر: فرهنگسرای میردشتی

ناشر همکار: هنر نو

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۶-۹۰۰

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

مدیر هنری و تولید: محسن برآبادی

فرهنگسرای میردشتی

مشهد، چهارراه لشکر، پاساژ دیدنی ها، طبقه زیر همکف، فرهنگسرای میردشتی

تلفن: ۰۵۱-۳۸۵۴۴۹۵۱-۳۸۵۱۴۷۶۱-۳۸۵۱-۵۱

www.fmirdashti.com

کتاب میردشتی

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، نبش وحید نظری، مجتمع تجاری

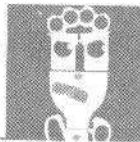
نادر، طبقه اول، واحد ۴ تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۶۶۴۹۱۹۶۸-۲۱



فهرست

۴۴	بیماری‌پذیری سنخ‌های شخصیتی
۴۵	نحوهٔ جامعه‌پذیری سنخ‌های درون‌گرا و برون‌گرا
۴۷	انتقاد آیسنک از شیوه‌های مجازات‌گرایانه
۴۹	صفات و ویژگی‌های رفتاری‌های درون‌گرایان و برون‌گرایان
۵۲	تفسیر یونگ از سنخ‌های شخصیتی برون‌گرا و درون‌گرا
۵۴	پی‌نوشت‌ها
۵۵	کتاب‌شناسی

فصل سوم: ساز و کارهای دفاعی



۵۸	مقدمه
۵۹	پایه‌ها و ویژگی‌های سازوکارهای دفاعی
۶۰	سرکوب و بازسازی
۶۱	ثبوت و تثبیت
۶۲	واپس‌روی یا بازگشت
۶۳	همانندسازی و همسان‌سازی
۶۴	برون‌گویی و درون‌گویی
۶۵	دلیل‌تراشی
۶۶	جبران
۶۶	انکار
	واکنش‌سازی یا عکس‌العمل‌سازی و باطل‌سازی یا
۶۷	ابطال کردن
۶۸	جابه‌جایی
۶۸	جانشین‌سازی
۶۹	تصعید و نمادپردازی
۷۱	خیال‌بافی و آرمانی‌سازی
۷۳	کتاب‌شناسی

۷	مقدمه
---	-------

فصل اول:

شرطی‌سازی و یادگیری



۱۴	مقدمه
۱۶	تعریف شرطی‌شدن و یادگیری علامتی پاولوف
۱۷	فرایند شرطی‌سازی کلاسیک و مولفه‌های درگیر در یادگیری
۲۰	تقویت و خاموشی
۲۱	تعمیم و تشخیص
۲۳	شرطی‌شدن در سطح بالاتر
۲۴	بازتاب سوگیری یا جهت‌یابی
۲۶	سیستم‌های علامتی اولیه و ثانویه
۲۷	نظریه پیوندگرایی نرندایک
۲۸	شرطی‌سازی وسیله‌ای اسکینر
۳۱	نظریه یادگیری اجتماعی بندورا
۳۴	پی‌نوشت‌ها
۳۵	کتاب‌شناسی

فصل دوم: سنخ‌های

شخصیتی درون‌گرا و برون‌گرا



۳۸	مقدمه
۴۰	تعریف و تقسیم‌های شخصیت
۴۱	رویکرد تحلیل عاملی به شخصیت
۴۱	ساختار شخصیت از نظر آیسنک
۴۳	ساختار سرشتی و عصبی شخصیت
۴۳	شرطی‌شدن و یادگیری در درون‌گرایان و برون‌گرایان

۱۱۵	دونالد وینی کات و وابستگی مطلق
۱۱۵	کارن هورنای و اضطراب اساسی
۱۱۶	ملانی کلاین و سازمان زودرس روانی
۱۱۷	جان بالبی و نظریه دلبستگی
۱۲۲	پی نوشت ها
۱۲۵	کتاب شناسی

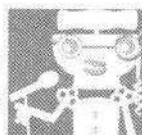


۱۲۸	مقدمه
۱۳۱	تعریف نوجوانی
۱۳۱	مفهوم مرحله در نظریه اریکسون
۱۳۲	نوجوانی و مرحله اول
۱۳۲	نوجوانی و مرحله دوم
۱۳۴	نوجوانی و مرحله سوم
۱۳۶	نوجوانی و مرحله چهارم
۱۳۷	بحران نوجوانی و افسانه شخصی
۱۳۸	تکمین بهنجار هویت فردی و جمعی
۱۴۰	روندهای شکل گیری چهار نوع هویت
۱۴۴	پی نوشت ها
۱۴۶	کتاب شناسی



۱۵۰	مقدمه
۱۵۱	خلاقیت و ضرورت آن در رفتار
۱۵۲	ارتباط خلاقیت با فرایندهای مختلف ذهنی
۱۵۴	افراد خلاق و غیر خلاق
۱۵۵	واگرایی و هم گرایی
۱۶۲	پی نوشت ها
۱۶۵	کتاب شناسی

فصل چهارم: رفتار و شخصیت جرات ورز و غیر جرات ورز



۷۶	مقدمه
۷۷	تعریف و دسته بندی سنخ های جرات ورز و غیر جرات ورز
۷۹	ویژگی های افراد جرات ورز و غیر جرات ورز
۸۶	نسی گرای در رفتار جرات ورزانه و غیر جرات ورزانه
۸۸	کتاب شناسی

فصل پنجم: سبک های تربیتی



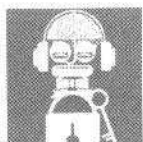
۹۲	مقدمه
۹۳	گرایش های یادگیری و رشدی در شیوه تعامل والدین و فرزند
۹۵	الگوهای ارتباطی مادر-فرزند
۹۶	سبک ها و سنخ های تربیتی
۹۷	والدین حامی و دموکراتیک
۹۹	والدین آسان گیر
۱۰۰	والدین کنترلی و استبدادی
۱۰۲	والدین بی توجه
۱۰۴	پی نوشت ها
۱۰۵	کتاب شناسی

فصل ششم: دلبستگی و تفرد



۱۰۸	مقدمه
۱۱۱	تعریف و معنای دلبستگی
۱۱۲	آنا فروید و رابطه انگایی
۱۱۲	رنه اشیتزر و اضطراب هشت ماهگی
۱۱۳	اریک اریکسون و روند تفردیابی
۱۱۴	مارگارت ماehler و همزیستی بهنجار اولیه

فصل دهم:
هوش هیجانی



۱۸۸	مقدمه
۱۹۰	تمهیدات و تعریف هوش هیجانی
۱۹۱	تاریخچه تکوین مفهوم هوش هیجانی
۱۹۲	خودآگاهی
۱۹۳	خودتنظیمی
۱۹۵	خودانگیزی
۱۹۶	همدلی
۱۹۷	مهارت‌های ارتباطی
۱۹۸	پی‌نوشت
۱۹۹	کتاب‌شناسی

فصل نهم:
مهارت‌های زندگی



۱۶۸	مقدمه
۱۷۱	تعریف و اجزای مهارت‌های زندگی
۱۷۱	تصمیم‌گیری
۱۷۳	توانایی حل مسأله
۱۷۵	تفکر خلاق و نقاد
۱۷۷	روابط میان فردی موفق و مؤثر
۱۸۰	خودآگاهی و همدلی
۱۸۲	مهارت مقابله با استرس
۱۸۵	کتاب‌شناسی

www.ketab.ir

اقدام ویلهلم وونت را در تأسیس آزمایشگاه تجربی در لایپزیک آلمان، آغاز روان‌شناسی علمی به حساب می‌آورند. هر چند وونت همچنان در بررسی‌های تجربی خویش همان موضوع ذهن و آگاهی را به روش درون‌نگری مورد توجه پژوهشی قرار داده بود، یعنی موضوع و روشی که رنه دکارت برای روان‌شناسی در نظر گرفته و خود به کار می‌برد؛ اما وونت در نظر داشت یکسره، شیوه‌های متافیزیکی را در روان‌شناسی کنار گذاشته و شیوه علوم دقیقه و تجربی را در این علم به کار گیرد. او مطمئن از روایی آزمایشگری در روان‌شناسی بود و می‌خواست بنا به توصیه جای اسقراط میل به شیمی ذهن مبادرت ورزد و از این نظر راه و روش جدیدی پیش روی روان‌شناسان باز نماید و شناخت وسیع و تدقیق شده‌ای از رفتارهای آدمی به دست دهد. وونت تلقی و جهت‌گیری پوزیتیویستی داشت و امیدوار بود با رویکردی که اتخاذ کرده است بتواند روان‌شناسی علمی را از فلسفه، که به سان هر پوزیتیویستی با آن ضدیت داشت، جدا سازد. در ادامه این سیر و گرایش علمی و تجربی و در تداوم تمرکز بیشتر بر مسأله روش‌شناسی در روان‌شناسی که دیگر به اندیشه و اندیشناکی اصلی در میان عالمان این علم تبدیل شده بود، رفتارگرایان آمریکایی در عین باورمندی پوزیتیویستی مشترک با وونت، راه واگرایی‌های او را پیمودند. برخلاف وونت که پیشبرد نگرش پوزیتیویستی‌اش در روان‌شناسی، با معارضه گذشته فلسفی قدرتمند آلمان و دشواری‌های ناشی از آن روبه‌رو بود و مقابله ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱) در تعقیب روش پدیدارشناسی برای علوم انسانی و از جمله روان‌شناسی یکی از آنها بود؛ رویکرد پوزیتیویستی رفتارگرایی در آمریکا در تناسب کامل با بافت تلقی‌های عمل‌گرایانه و کنش‌گرایانه و اوتیلیتیایی این جامعه قرار داشت. روان‌شناسان آمریکایی از همان ابتدای آشنایی با روان‌شناسی ساختارگرایی وونت که به بررسی و شناخت تجربی ساخت‌های هشیاری و آگاهی اشتغال داشت، به بررسی و شناخت تجربی کنش و کارکرد ساخت‌ها علاقه داشتند و این نگرش داروینیستی که ساخت‌های ذهنی و آگاهی باید در عمل و بافت و محیط، مفید بودن خود را نشان دهند از همان ابتدا بر پژوهش‌های کنش‌گرایان و رفتارگرایان آمریکا حاکم بود. به همین دلیل هم آنان همچنین به رویکرد توصیفی و تبیینی و نظری وونت از ساخت‌ها و

اجتناب از کاربردی ساختن روان‌شناسی بی‌توجهی نشان داده و به‌سرعتی زیاد، یافته‌های روان‌شناسی را در زمینه‌های تربیتی، درمانی، تجاری، صنعتی، تبلیغاتی، و نظامی به کار زدند. به‌ویژه رفتارگرایان و از جمله جان واتسون بنیان‌گذار رفتارگرایی، پرداختن به آگاهی به شیوه درون‌نگری را اساساً مغایر رویکرد و جهت پوزیتیویستی خود وونت به روان‌شناسی می‌دانستند. از این رو جدای از تأکید و تصریح بیشتر بر روش‌های عینی در روان‌شناسی، موضوع عینی و قابل‌وارسی و اندازه‌گیری تجربی «رفتار» را موضوع روان‌شناسی قرار دادند. «رفتار» به روان‌شناسی حیوانی نزدیک بود و بر پیوستار رفتاری انسان و سایر موجودات نیز تلویحاتی داشت که مورد نظر رفتارگرایان بود. با همه این احوال، روان‌شناسان رفتارگرا به شیوه‌های تقلیل‌گرایانه دانش گسترده‌ای در زمینه‌های یادگیری، هوش و امکان تغییر و اصلاح رفتار و آموزش و درمان رفتار ناپه‌نچار به‌دست دادند.

به‌رغم نقش و اهمیت رفتارگرایی در توسعه و تحول روان‌شناسی، وقتی برخورداری از گستره‌های عینی و تجربی به‌دست داده آنها بسیار شد، تعدیل‌هایی در رادیکال‌نگری موضوعی رفتارگرایان که به نظر می‌رسید به محدودیت‌های موضوعی دچار آمده‌اند، پدید آمد و از این رهگذر رفتارگرایان شناختی پدیدار شدند. این گروه اخیر نیز مانند رفتارگرایان، آمریکایی و اثبات‌گرا بودند. رفتارگرایان شناختی موضوع روان‌شناسی یعنی «رفتار» را در خصوص رفتارهای شناختی نیز تسری دادند و مقوله‌های حافظه، تفکر، تصمیم، اسناد، ارزیابی، شناخت، پردازش‌های ذهنی و فرایندهای عالی و پیچیده ذهنی را به حیطه بررسی‌های علمی و عینی و تجربی و اثباتی کشانیدند و بر همین مبنا دلالت‌ها و استلزامات کاربردی بسیاری که همیشه مطلوب روان‌شناسان آمریکایی بود فراهم آوردند. به‌ویژه تکنیک‌های تربیتی و درمانی از جهات کمی و کیفی تعمیق و گستره وسیع‌تری یافت و رفتار درمانی به‌واسطه رفتار درمانی شناختی تکمیل شد و قابلیت و قدرت درمان‌گری‌های روان‌شناختی را بسیار افزونی بخشید.

اهمیت یادگیری و بالتبع اهمیت محیط و نقش متعین آن در رویکردهای مذکور، به‌ویژه رفتارگرایی بسیار برجسته بود. رویکرد رفتارگرایی، مقابله‌های نظری و عملی زیادی را در همان جامعه آمریکا برانگیخته و با چالش‌های زیادی نیز مواجه شده بود و در نهایت نیز در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی از زمینه‌های این دیالوگ‌های تند علمی، شکل‌گیری رویکردهای انسان‌گرایی و هستی‌گرایی و پدیدارشناسی که تماماً سابقه‌هایی در روان‌شناسی و فلسفه - بیرون از آمریکا - داشتند، ممکن و مهیا شد. این گروه به نقش متعین محیط - در دیدگاه رفتارگرایی - و نقش متعین انگیزه‌های زیستی - در دیدگاه روان‌کاوی - معترض بودند و اراده و اختیار و انتخاب و آزادی و کلاً تفرد آدمی را در مقابل آن زمینه‌ها برجسته ساخته و شاخص می‌دانستند. روش بررسی‌های آنها نیز به‌نوعی کیفی بود و روش‌های کمی‌گرا و به قول گوردون آلپورت قانون نگر را سزاوار و شایسته بررسی و شناخت رفتار انسانی نمی‌دانستند. آلپورت خود با تمرکز بر منحصر به فرد دانستن آدمی و بافت پدیداری هر فرد از روش پدیدارشناسی برای شناخت شخصیت سود می‌جست. در این روش، فرد تنها در بافت وجودی و تجربه‌ها و پس زمینه‌های ذهنی و عینی‌اش قابل بررسی و شناخت بود. نظریه‌های انسان‌گرایانه نقش «خویش» را در رویارویی‌ها و اراده ابتکاری او در

هدفمندی، تصمیم‌گیری، و تعادل‌یابی و به وحدت رسیدن مدّ نظر قرار می‌دادند و بر تحقق و شکوفا ساختن پتانسیل‌های وجودی هر فرد متمرکز بودند. از رهگذر این رویکرد نیز، دلالت‌ها و گرایش‌های کاربردی بسیاری به‌ویژه در آموزش و تربیت و اصلاح و درمان و مشاوره پدید آمد.

همه رویکردهای مذکور به‌نوعی و با تمایزهای بسیاری نگرشی خردگرایانه به انسان دارند؛ پتانسیل اصلی آدمی را نیروی شناختی و یا ارادی و خودمختار او می‌دانند و یا قایل به قدرت و ظرفیت بالایی انواع یادگیری‌ها در او هستند. رویکرد روان‌کاوی با تمرکز بر نیروی مُحَرک انگیزشی و عاطفی آدمی و تلقی غیر خردگرایانه از ماهیت آدمی تفسیر دیگری از رفتار بهنجار و نابهنجار به‌دست می‌داد.

این رویکرد الگویی طب‌گرایانه در روان‌شناسی ارایه می‌کرد، و غالب شاخصان اولیه آن روان‌پزشک بودند. فروید که به بیان‌گذار روان‌کاوی شهرت دارد و البته در طرح همه مفاهیم بدیع خود از فلاسفه و روان‌پزشکان پیشین الهام گرفته است، آسیمی ساختاری در طرح تبیین انسان مختار و واقع‌رنه دکارتی وارد ساخت و نشان داد که بخش وسیعی از رفتار آدمی از زمینه‌ها و انگیزه‌ها و عواطف و امیال سرخورده و واپس زده شده و تغییر شکل داده شده و ناخودآگاه نشأت می‌گیرد. بیش از این کثیری از فیلسوفان نظیر آرتور شوپنهاور و فردریش نیچه و خاصه نوماس هابز به این نقش مسلط انگیزه‌ها در تعیین رفتار و مُحَرک رفتار اشاره کرده بودند. فروید در تبیین این پویا تبدیلی و پیچیده رفتار و شخصیت آدمی به ساختارهای فرضی خودآگاه و ناخودآگاه متوہل شد. از این رو با این که او نیز از زمینه و روی‌آوری و تلقی پوزیتیویستی متأثر و برخوردار بود و رفتار آدمی را در بافتی دترمینیستی و متعین مدّ نظر قرار می‌داد، اما دترمینیسم او بیشتر زیستی و انگیزشی و درونی بود و از دترمینیسم محیطی رفتارگرایان که عامل متعین و کنترل‌گر رفتار و شخصیت و انگیزه‌های آدمی را تماماً پیش‌آیندها و پس‌آیندهای بیرونی می‌دانستند، متمایز می‌شد.

رویکرد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ابزاری روان‌شناسان روسی نظیر لوسمینیوچ ویگوتسکی و الکساندر لوریا نیز خاستگاهی غیرآمریکایی دارد. لوریا خود تکوین این رویکرد را در تعامل میان دو رویکرد کلاسیک و آزمایشی وونت و رویکرد رمانتیک و پدیدارشناسی و سنت‌های بالینی المان می‌داند و در روند تحوّل این رویکرد، که نگرش مارکسیستی و ماتریالیستی و دیالکتیکی در آن نقش‌مند بوده است، هیچ‌گاه رفتارگرایی ماتریالیستی و مکانیکی آمریکایی واجد اهمیت نبوده است. رویکرد نوروپسیکولوژی در درون روان‌شناسی از این زمینه به‌درآمد که به بررسی روابط ساختار و رفتار و مبانی نورولوژیک رفتار انسان می‌پرداخت. از قضا این رویکرد هم متأثر از نگرش تاریخی و تکاملی مارکس، به دترمینیسم در رفتار آدمی باورمند است و البته به‌جای تعیین‌کننده‌های زیستی و محیطی در رویکردهای روان‌کاوی و رفتاری به زمینه‌های تعیین‌کننده تاریخی و عینی و اجتماعی و فرهنگی معطوف است.

بعد این اوصاف احتمالاً تفصیلی و آشنایی نسبی و مقدّماتی در خصوص رویکردهای روان‌شناسی، باید گفت در این کتاب به مباحثی عمومی و متناسب با خوانندگان و مخاطبان احتمالی پرداخته شده است. بر مبنای تلفیقی از رویکردهایی که اشاره شد مباحثی در یادگیری، سبک‌های تربیتی، تعامل فرزندان و

والدین در سال‌های نخست زندگی، سنخ‌های هویتی و شخصیتی، سازوکارهای دفاعی و مهارت‌های زندگی، هوش هیجانی و سبک‌های تعاملی و اجتماعی و دوره نوجوانی و خلاقیت، انتخاب و به اختصار مورد بحث قرار گرفته‌اند. در مقدمه هر یک از فصول توضیحاتی روشن‌گر در خصوص مباحث مورد نظر داده شده است.

یادگیری و شرطی‌سازی از مباحث بنیادی روان‌شناسی هستند. اهمیت‌های اینها و تداعی‌گری‌های نشانه‌ای و وسیله‌ای و حضور پربسامد یادگیری‌های نیابتی در روابط اجتماعی، شهادی بر این مدعا هستند.

در پرداختن به خلاقیت، بر خلاقیت اجتماعی متمرکز بوده‌ایم، هدف آن بوده که از این رهگذر، بخش وسیعی از رفتارهای واکنشی و هیجانی برانگیخته که به منازعات و ستیزه‌جویی‌های میان فردی دامن می‌زنند، کاهش یابد.

مهارت‌های زندگی، گروه‌های مختلفی را درگیر ساخته است. تأکید سازمان جهانی بهداشت بر ضرورت پیشگیرانه سلامت روان و نقش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و مواجهه‌ای در پیشگیری از ابتلا به اختلال‌های رفتاری، بر رونق کارگاه‌های آموزشی این مهارت‌ها افزوده است.

از همین قبیل است هوش هیجانی که به سان جرأت‌ورزی در روابط میان فردی به تحقق می‌رسد. هوش هیجانی توانایی شناختی و ایجاد اهمیت است که آدمی را در مناسبات با دیگران برخوردار از احساس همدلی می‌سازد؛ و موجب مهارت‌های اختلال‌گر در روابط با این و آن می‌شود.

آموزش جرأت‌ورزی می‌تواند مخاطبان را وادار به حقوقی فلسفی، اجتماعی، سیاسی و فردی خود سازد؛ و می‌تواند انسانی متفرد و متحمل و دموکرات و برابر فکر و صریح پرورش دهد. ایجاد و تقویت این مقوله ضرورتی انسانی و فردی و جمعی است و تاریخ تربیتی و آموزشی و اجتماعی و سیاسی استبدادی ایران، ایرانیان را از این مهم بازداشته است.

سازوکارهای دفاعی، به نوعی توصیه‌های فروید و روان‌کاوی محسوب می‌شوند برای دوری از تعارض و کاهش اضطراب و استرس و تقلیل ناایمنی، این سازوکارها به گونه‌ای پوششی فرد را با خود و با دیگران انطباق می‌دهند.

با این اعتقاد که به رغم تنوع نظریه‌های شخصیتی و واگرایی‌های بسیار آنها، نظریه‌های تحلیل عاملی پوششی نسبی اما دربرگیرنده از معنا و مفهوم شخصیت به دست می‌دهند، با تفصیل بیشتری سنخ‌های درون‌گرا و برون‌گرای مورد نظر آیسنک را بسط داده‌ایم.

در موضوع رشد، دلبستگی کودکان به والدین، خاصه مادر، مفهومی مطلوب و درعین حال عمومی است. تحوّل پهنجار از این پایه شکل می‌گیرد. روند و فرایند جدایی و به استقلال و تفرد رسیدن کودک با تمهیداتی است که از چسبندگی‌ها و وابستگی‌های اولیه و یکسویه کودک به مادر رقم می‌خورد.

توضیح مفهومی دلبستگی با تبیین سازوکاری سبک‌های تربیتی کامل می‌گردد. از چهار سبک تربیتی که در این نوشتار به آنها پرداخته‌ایم، سبک تربیتی حمایتی و دموکراتیک، شیوه‌ای است که با ایجاد روابط متقابل و گرم، امکان شکوفایی پتانسیل‌های وجودی را فراهم می‌آورد و به روند تدریجی و تبدیلی کنترل‌گرهای بیرونی به کنترل‌گرهای درونی مدد می‌رساند. سنخ‌های شخصیتی فعال و بهنجار و سنخ‌های هویتی مستقل و جرأت‌ورز و موفق از این زمینه تربیتی به درمی‌آیند.

سرانجام بحث اختصاصی نوجوانی که تغییرات وسیع تحولی در آن روی می‌دهند و تغییرات رفتاری ناشی از این تغییرات، معضلی همه‌گیر و نگرانی‌زا برای خانواده‌ها پدید می‌آورد، به دلیل همین ضرورت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. طرح موضوع در توصیف و تبیین نوجوانی و اقتضات آن به گونه‌ای است که به شکلی ضمنی شیوه‌های رویارویی و مواجهات تربیتی صحیح و سازنده، استلزام و دلالت بحث محسوب می‌گردد.

طرح نظریه‌ها صرفاً در خدمت موضوع و مباحث انتخابی بوده است و بحثی اختصاصی راجع به نظریه‌ها در نظر نبوده است. به تعبیری، نظریه‌ها و نظریه‌پردازان مانند رویکردها و گرایش‌های نظری به خدمت گرفته شده‌اند تا موضوع‌های معینی، توضیح روشن‌تر و دقیق‌تری بیابند. از این رو اگر نظریه یا نظریه‌هایی به تفصیل بیشتر و یا کمتری در موضوعی وارد شده‌اند، جز اقتضاء و ضرورت بحث نبوده است.

در ساده‌سازی مطالب تلاش نسبی انجام پذیرفته اما به هیچ روی ساده‌سازی‌های تصنعی که از جدیت و علمی بودن بحث بکاهند در کار نیامده است. با این وصف نگارنده بر آن است که در قیاس با دیگر نوشته‌هایش تا حدودی درگیر آسان‌نگاری طبیعی و اقتضایی شده و همان را هم بس و بسنده برای رسایی و انتقال مطالب و ادراک مخاطبان مشخص دانسته است.

برای آنکه نگاه و ذهن خواننده مکرر از متن به حاشیه نرود و مدام در مسیر مطالعه بماند و بالا نشود و دچار انصراف خاطر نگردد، از ذکر اصطلاح‌های غیر اصلی اجتناب گردیده و تنها به ذکر مواردی ضرور بسنده شده است. به همین دلیل و به رغم نیاز به توضیح بیشتر برخی مفاهیم، از توضیح‌های تفصیلی باز ایستاده و در مواردی نکاتی مختصر را یادآور شده‌ایم. در پی نوشت‌های پایان هر فصل در خصوص بعضی مسایل تخصصی، توضیح بیشتری داده شده است.

در پایان این مقدمه یادآوری این نکته ضروری است که طرح اولیه این کتاب با پیشنهاد دانشجو و همکار درگذشته‌ام سرکار خانم دکتر نیما ورامینی شکل گرفت، هم ایشان در ارتباط با انتشارات فرهنگسرای میردشتی پیشنهاد مذکور را زمینه عینی بخشید. قرار شد فصول مورد توافق را بنگارم و ایشان کار تصویرگری آنها را انجام دهد. از ابتدا بنا بر آن بود که مباحثی به نگارش درآید که مخاطبان عام تحصیل کرده اما نه لزوماً روان‌شناس را دربرگیرد. در عین حال موضوع‌هایی انتخاب شوند که بیش و کم دغدغه آحاد جامعه باشند و در موقعیت‌های ارتباطی و اجتماعی، آموزشی و تربیتی و شغلی آنها را درگیر خود

ساخته باشند. بخشی از فصل یادگیری و شرطی‌سازی نوشته شد و به ایشان داده شد تا تفاهمی محسوس و عینی در شکل و محتوای روند و نوع کار صورت گیرد و بعد با این ادراک مشترک از کار، انجام دیگر فصول تدارک و تحقق پذیرد. این زمان توأم شد با شروع مجدد بیماری که تا به آخر دوام کرد و در نهایت نیز مرگ امانی نداد. برنامه تنظیمی متوقف شد و قرارداد متفی گشت. با این وصف خواستار آن بودم که در پاس داشت نام وی، آن ایده را به سرانجام رسانم. پرسش‌گری در خصوص همکاری دیگری با برخوردار از آن تخصص شروع و دنبال شد و بعد مدتی جستار با همیاری دوست ارجمندم جناب حقیقی توانستم با طرح موضوع برای سرکار خانم فهیمه علوی نسب با ایشان کار را تعقیب کنم. تصوّر مذکور را با جناب برآبادی که تازه از سفر تحصیلی به کشور مراجعت کرده بودند مطرح ساخته و با تنظیم توافق و قرارداد جدیدی شروع به کار نمودیم. جهت جبران مافات و به جهت قوّت انگیزه‌ام، ده فصل پیش رو در ظرف مدت چهار ماه آماده شد و با پردازش‌های تصویری همکارم که در اثر تعامل‌ها و رایزنی‌های مکرر به دست می‌آمد، مجموعه پیش رو آماده چاپ گردید. امید که مقبول افتد.

از همه عزیزانی که در این زمینه با اینجانب همکاری کردند تقدیر به عمل می‌آورم. ذکر نام چهار تن از این میان ضروری است، سرکار خاتم فاطمه خزایی که در خواندن دست‌نوشته‌ها، پس‌خوردهای محتوایی، تایپ و اصلاح چند باره فصول و تنظیم مطالب و منابع همکاری مجدّانه‌ای داشتند؛ و دوستان بسیار عزیزم در دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس جناب آقای مجید جان نثاری که در این خصوص و در هر موضوعی همراهی بی‌توقع برایم بوده‌اند و جناب آقای احسان حقیقی که مشوق انجام کار بوده‌اند. خلق خوش و گشاده جناب آقای محسن برآبادی مدیر تولید فرهنگسرای میردشتی و مدیر مسوول انتشارات هنرنو نیز در شروع و تداوم کار نقشی بسزا داشته است.